

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدرسه حکمرانی شهید بهشتی



مفهوم شناسی حکمرانی فرهنگی
مدرس: علی خزاعی
دانش آموخته دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی
از
دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی

بررسی نظریه های مختلف برجسته در زمینه رفتار شناسی مردمی در ایران

تعریف رفتار

رفتار:

- به زبان ساده، عبارت است از عکس العملی که ما در محیط نشان می دهیم.

رفتار فرهنگی :

- هر رفتاری اعم از آگاهانه و یا ناآگاهانه که انسان در طول زندگی روزمره انجام می دهد.
- آنچه مهم است چرخه ی دائمی بین انسان و فضاهای پیرامونی اوست. این چرخه تحت تأثیر ذهن انسان،
 - الگوها؛
 - ارزشها؛
 - هنجارها؛
- اعتقادات و ایدئولوژی، رفتار را شکل می دهد. و ماهیت رفتار را تعیین می کند و با حمایت های ذهنی و اجتماعی که پیرامون فرد جریان دارد می تواند جنبه ی دائمی، ثابت و یا گذرا پیدا کند.

هر فرد دارای دو نوع رفتار است.

رفتارهای طبیعی یا پایدار

- که تحت تأثیر شخصیت، باورها، ارزش ها و سایر عوامل و تمایلات درونی فرد قرار دارند.

رفتارهای تطبیق یافته

- که ناپایدار و تابع شرایط و موقعیت ها هستند و برخلاف ویژگی های شخصیتی که نوعاً پایدار و بدون تغییر هستند، ماهیتی پویا داشته و به اصطلاح قابلیت تغییر و تطابق پذیری دارند.
- بنابراین فرد می تواند حسب شرایط از تمایلات رفتاری طبیعی خود فاصله بگیرد و رفتارهایی را نشان دهد که لزوماً مطابق با سبک رفتاری غالب او نیست. اما می تواند پس از گذار از موقعیت پیش آمده، مجدداً به رفتارهای طبیعی خود باز گردد.

رفتار شناسی فرهنگی

به فرآیند شناخت و شناسایی رفتارهای فرهنگی (اعم از رفتارهای شخصیتی و یا تطبیق یافته)، زمینه ها، نمودها ، نمادها و عوامل اثر گذار بر آن رفتارها که امکان پیش بینی، کنترل و تغییر رفتار را میسر می سازد رفتارشناسی فرهنگی گفته می شود.

عوامل مؤثر در رفتار شناسی فرهنگی

- زیست بوم

- زیست بوم یعنی محیط زندگی و اقلیم زیستی يك گروه که صرفاً محدود به ویژگیهای طبیعی و جغرافیایی نیست بلکه مجموعه ای از ویژگیهای مختلف طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در کنار توانایی های فردی و گروهی يك گروه خاص در برمی گیرد.

ویژگی های زیست بوم

۱- جغرافیای طبیعی

- مقصود اقلیمی است که گونه های مختلف آب و هوایی و اشکال گوناگون منابع طبیعی اعم از کویر، بیابان، کوهستان، دریا و جنگل را شامل می شود.
- بازتاب هر کدام از این ویژگی هایی که در جغرافیای طبیعی مدّ نظر است در روحیه و رفتار ساکنان آن مناطق قابل شناسایی است مثلاً انسانهایی که ساکن کویر هستند بیشتر دارای روحیه عرفانی هستند و یا کوهستاننشینان در رفتار خود روحیه سرسختانه‌ای نشان میدهند در مقابل دریانشینان افق دید گسترده‌ای دارند.

۲- جغرافیای سیاسی

- چگونگی واقع شدن يك اقليم در يك محدوده ی سیاسی و قرار گرفتن يك سرزمین در جایگاه راهبردی می تواند از شاخص های تعیین کننده در جغرافیای سیاسی باشد. چنانکه روحیه و رفتارهای مرزنشینان به دلیل احساس خطر و لزوم آمادگی دائم متفاوت با روحیه ی ساکنان نواحی داخلی است که کمتر در معرض رویارویی با مهاجمان بوده اند.

۳- اقتصادی

شیوه های معیشت مردمانی که در يك زیست بوم زندگی می کنند بستگی به نوع اقلیمی که بر آن جامعه حاکم است دارد و می توان گفت که پیوند اقلیم جغرافیایی و اقتصاد يك پیوند اجتماعی است.

از سوی دیگر چگونگی معاش يك گروه یا ملت، شیوه های اشتغال، رفتارهای اقتصادی، نوع مشاغلی که در يك منطقه رایج می شود تاثیر زیادی بر رفتارهای فرهنگی هر جامعه دارد.

۴- تکنولوژی و ابزار

فناوری و نوع ابزار در يك زیست بوم خاص بر روابط فرهنگی و هنجارهای مرسوم آن اثر می گذارد به گونه ای که فرهنگ همه جوامع از آغاز انقلاب صنعتی تا کنون دچار دگرگونی های خاصی شده است.

۵- شیوه ی مدیریت و تعلیم و تربیت

در يك زیست بوم شیوه های آموزش از عناصر گوناگون آن زیست بوم تاثیر می پذیرد و شکل گیری شیوه ی خاصی از تعلیم و تربیت در پیوند تنگاتنگ با محیط زندگی، نیازها و قوانین مربوط به آن است. در نقطه مقابل نظام آموزشی تأثیر فراوانی بر رفتارهای فرهنگی هر جامعه دارد. (درونی سازی ارزشها-جامعه پذیری و...))

۶- ارتباطات انسانی

ارتباط به عنوان یکی از شاخص های تعیین کنند در يك زیست بوم مطرح است؛ به این معنا که مجموعه ی شاخص های مطرح شده در زیست بوم در نوع ارتباط افراد با محیط، جامعه و دیگر افراد و گروهها انعکاس می یابد و برای دریافت نوع رفتار خاص هر گروه یا قوم یا ملت در کنار شاخص های مختلف يك زیست بوم توجه به ارتباطات انسانی و کمّ و کیف آن حائز اهمیت است و می تواند گویای تاثیر دیگر شاخص ها نیز باشد. (روابط قبیله ای- عشیره ای، خانواده گسترده و...))

اهمیت و ضرورت مطالعه رفتار

- شناخت جامعه در حوزه های مختلف نیازمند دریافت پیش فرضهای ذهنی فرهنگی افراد هر جامعه است.
- شناخت این پیش فرض ها می تواند الگوهای کنش و واکنش انسانی را مورد بررسی قرار دهد زیرا بیانگر رابطه انسان، ذهن او والگوهای ارتباطی میان آنهاست.
- میزان اثر گذاری و اثر پذیری او را از محیط پیرامون مشخص می نماید.
- کنش ها و واکنش های ارتباطی وی را نمودار می سازد.
- فرصت برنامه ریزی در حوزه اصلاح یا ثبات رفتارها را فراهم می سازد.
- شناسایی میزان توفیق برنامه ها و سیاستهای فرهنگی میسر می کند.
- میزان اثر گذاری برنامه های تهاجمی فرهنگی بیگانگان را تعیین می کند.
- شناسایی نقاط ضعف و قوت فرهنگی آسان می سازد.
- تحلیل فاصله و شکاف با فرهنگ مطلوب یا آرمانی را فراهم می نماید.

- دستیابی به ویژگی ها و مختصات رفتاری افراد يك گروه (جامعه، سازمان) اما را در رسیدن به مبانی فرهنگی آن گروه یاری می رساند.
- میزان تحقق حکمرانی فرهنگی متعالی را مشخص می نماید.
- میزان تحقق حکمرانی فرهنگی متعالی در حوزه فرهنگ را نشان می دهد..

رویکردهای موجود در رفتار شناسی فرهنگی

❖ رویکرد کارکردگرایی

فرهنگ را به مثابه ساز و کاری برای تأمین نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی مورد بررسی قرار می دهد برای نمونه اگر افراد يك جامعه زیاد دروغ می گویند دروغ گفتن يك مکانیسم زیستی است که کارکرد دارد و در نتیجه نهادینه می شود نمونه دیگر این است که در جامعه ای که احساسات زیاد است پایه احساساتی بودن ناشی از حوادث فاجعه آمیزی است که در تاریخ آن جامعه روی داده است.

❖ رویکرد ساخت گرایی

به ساختارهای ژرف تری توجه می کند که فرهنگ را شکل و سمت و سو می دهند رفتارهای آموخته فرهنگی ما از طریق همین ساختارهای عمیق تولید و بازتولید می شوند.

❖ رویکرد اشاعه گرایی

بر اساس آن فرهنگ آداب و روحیات از طریق انتشار و انتقال از يك جامعه به جامعه دیگر تحول پیدا می کند.

طبقه بندی ادواری رفتار شناسی ایرانیان

- **دوره باستان:** در دوره باستان سابقه پیدایش اولین نشانه های فرهنگ و تمدن انسانی در ایران یافت شده است. ایران از جمله پیشگامان ساخت شهر، توسعه یکجا نشینی و ایجاد ساختارهای حکومتی است.
- **دوره پیش از اسلام:** این دوره به لحاظ توسعه ی فرهنگ و تمدن حائز اهمیت است. توسعه ساختارهای حکومتی، فرهنگ شهری، پرداختن به تجارت و داد و ستد در کنار کشاورزی و دامپروری همراه با کشورگشایی و برخورد با فرهنگهای مختلف در این دوره به صورت چشمگیری حضور خود را اثبات
- **دوره پس از اسلام:** در این دوره فاکتورهای مثل ضعف حکومت داخلی، گشایش مرزها از سوی اعراب، ترکان و مغولان، آمادگی عمومی برای پذیرش اسلام زمینه ی تغییرات عمده ای را در فرهنگ و تمدن ایرانی ایجاد کرد.
- افزایش ارتباطات فرهنگی به طور نمونه میان اعراب و تمدن ایرانی و یا ارتباطاتی مثل تحلیل یا حل شدن فرهنگ مغولی در فرهنگ ایرانی و همچنین حمله ی ترکان، آمیختگی نژادی و قومی به همراه داشت که تحت تاثیر آن فرهنگ و رفتار ایرانیان دچار تحول گردید.

تاریخچه / ادوار تحقیق

- (۱) دوره نخست: سفرنامه نویسان مشهوری چون شاردن، ویلز، فریزر، گوبینو و به ایران آمدند، توجه به رفتارهای عینی ایرانیان توسط افراد غیرایرانی، دیده می شود (از قرن ۱۸ میلادی).
- (۲) دوره دوم: انجام پژوهشهای متعدد تجربی و کتابخانه ای در جهت شناخت فرهنگ ایران، که هم در برگیرنده بیان رفتارهای عینی افراد، و هم نظریه پردازی و مختصات بندی در مورد مبانی فرهنگ می شد، توسط پژوهشگران خارجی و ایرانی (قرن ۱۹ و ۲۰ بیستم).
- (۳) انجام پژوهشهای تجربی و کتابخانه ای داخلی متعددی به طور مستقل و یا به منظور بررسی و نقد مشاهدات و دستاوردهای دیگران. (قرن ۲۰ و ۲۱)

برخی آثار موجود در مورد رفتار شناسی فرهنگی ایرانیان

الف: سیاحتنامه شاردن دربرگیرنده ادعاهای يك سیاه خارجی درباره سستی و تنبلی ایرانیان در عصر صفوی است .

ب: هافستد، یاتسن و...

- **سیولینیو** در کتاب "چهره گول زننده ایران" : مردم ایران مردم خونگرم و خوشی برخوردار هستند ولی هرگز خودشان را به آسانی آشکار نمیکنند مکالمات ایرانیان سرشار از ادب و توأم با شکسته نفسی و اظهار تواضع است البته با ریا و سالوس و دروغ با هم مواجه می شوند البته این کارها را می کنند تا از رنجش و آزرده گی خاطر طرف مقابل یا رفتن آبروی خود بپرهیزند.

- **گوینو (روح ایرانی -فرانسوی).**

ج: زین العابدین مراغه ای (۱۳۲۱) در سیاحت نامه ابراهیم بیگ از پیشروترین منتقدان معاصر ایرانی درباره رفتار شناسی و فرهنگ جامعه ایران است.

- **جمالزاده (۱۳۴۵)** خلیات ما ایرانی ها

- **مهدی بازرگان (۱۳۵۷)** سازگاری ایرانی

پژوهشهای:

۱. علی پایا، "تنك ماىگى زیست بوم عقلانیت ما".
۲. حسین پاینده، "دور از مدرنیته و شیفته ابراهای مدرن".
۳. غلامعباس توسلی، "بحران و آسیبهای فرهنگی و ارائه راهکارهای مناسب برای کاهش آن".
۴. مسعود چلبی، "بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران".
۵. محمد حبیبی، "بررسی تجربی اخلاق کار در ایران".
۶. حمیدرزاقی، "فردیت در تاریخ اجتماعی ایران".
۷. محمد علی زکی، "سنگش گرایشهای فرهنگی نوجوانان و جوانان و بررسی ابعاد اجتماعی آن".
۸. محمودسریع القلم، "مبانی عشیره ای فرهنگ سیاسی ایران".
۹. محمودسریع القلم، "عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران"،
۱۰. رضا صفری شالی، "زنان روستایی و باورهای فرهنگی".
۱۱. محمد امین قانع راد، "در گسترش فردگرایی منفی".
۲۱. علی طائفی، "فرهنگ بیگانه ستیزی و موضع ایرانیان در مقابل فرهنگ مهاجم"،
۳۱. محمد رضا طالبان، "دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش آموز".

۴۱. طباطبایی، سید جواد، "تجدد عقلانیت و توسعه".
۵۱. فرجی ارمی، اکبر، "شاخصهای عمده فرهنگ ایرانی".
۶۱. فرهادی، مرتضی، "چون و چراهایی بر نظریه تکروی و فردگرایی تاریخی ایرانیان".
۷۱. فرهنگی، علی اکبر، "نظری به فرهنگ".
۸۱. محسنی، منوچهر، "بررسی آگاهی ها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی در ایران".
۹۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (دفتر طرحهای ملی)، "ارزشها و نگرشهای ایرانیان".
۱۰۲. میرزایی، حسن، "بررسی میزان فردگرایی در میان اقشار اجتماعی مختلف".
۱۱۲. موحدی، مسعود (۱۳۸۳) "تعیین ویژگیهای فرهنگ ملی- اسلامی"، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران.

گزیده ای از نظریات در مورد فرهنگ ایرانی (خلقیات ما ایرانی ها-جمالزاده)

شاعر عرب (متنبی): «نه ادب دارند و نه حسب و نه عهد و پیمان سرشان می شود و نه بدیها بیمی دارند»

روشنی بیگ از صاحب منصبان ترکیه در سال ۱۹۲۳ میلادی

ملت فارس را بد اخلاقی به نام دین زبون ساخته است. دخانیات و تریاک و سایر زهرهای خواب آور مردم این مملکت را به حال يك گله استخوان و «اسکلت» متحرك درآورده است. دخترها در سه سالگی توی چادر چاقچور می روند و در هشت سالگی با مردهای چهل ساله زناشویی می کنند، و پیش از زن شدن از چند شوهر طلاق می گیرند و بالاخره در بیست و پنج سالگی تریاک می خورند و هلاك می شوند... فارسها بسیار دروغگو و دزد هستند....

جیمز موریه: «در تمام دنیا مردمی به لاف زنی ایرانیان وجود ندارد. لاف و گزاف اساس وجود ایرانیان است. هیچ ملتی هم مانند ایانانی منافق نیست...»

تئودور نولد که: «وفا هیچگاه از صفات بارزهء ایرانیان نبوده است»

ویژگی های فرهنگی ایرانیان

۱. گرایش کم به عقلانیت و قاعده مندی؛
۲. زنانگی (در برابر مردانگی)؛
۳. فاصله قدرت بالا؛
۴. بی اعتمادی و بدبینی؛
۵. فرد گرایی (در برابر جمع گرایی)
۶. خاص گرایی (در برابر عام گرایی)؛
۷. تجددگرایی، نوگرایی ؛
۸. بی توجهی به زمان؛
۹. پذیرش ابهام در زندگی (قبول تردید)؛
۱۰. تقدیرگرایی؛
۱۱. دینداری؛

۱- گرایش کم به عقلانیت و قاعده مندی

- مبنای عقلانیت در افکار و گرایشهای فکری و سپس در قاعده مندی رفتار و شخصیت است و هیچ ملتی با هر پیشینه تاریخی و ساختار فرهنگی، نمی تواند برای پیشرفت و توسعه یافتگی از این مبنا فاصله بگیرد.
- **سریع القلم،** صحیح و منطقی فکر نکردن، فرهنگ شفاهی و هیجانی، قاعده مند نبودن شخصیت، رفتار و افکار ایرانی و غیرقابل پیش بینی و غیرقابل مدیریت بودن او به این دلایل را مشکل اساسی می شناسد.
- **پایا** از این موضوع ابراز نگرانی می کند که در نظام معرفتی ما جایگاه مثلث عقلانیت، عینیت (واقع گرایی) و حقیقت (صدق) با مثلث هزل، ذهنیت گرایی و همبستگی (فقدان حقیقت) عوض شده است .

- **طباطبایی**، کمبود خرد تکنولوژیک به مفهوم بهره برداری عقلایی از منابع و استفاده فعال و کاربردی از تکنولوژی امروز در بخش های مختلف اقتصادی، فرهنگی و علمی، و خرد دمکراتیک به مفهوم به کارگیری عقل مردمی در امور معیشتی، روابط، مناسبات و فرهنگ مردم را مشکل عمده می شناسد.
- **توسلی** یک آسیب عمده فرهنگی کنونی را خردگزیزی می داند.
- این مطلب، در مطالعات صورت گرفته توسط غیرایرانیان نیز مطرح شده است. برای نمونه، به صورت کلی در مورد شرقیان، **مینتزبرگ** گرایش شهودی و عاطفی را به عنوان ویژگی غالب آنها، در برابر گرایش منطقی و استدلالی غربیان قرار می دهد.
- در مطالعه **باتسن و همکاران** نیز به "احساساتی بودن" به عنوان یکی از ویژگیهای روانشناختی ایرانیان اشاره شده است.

۲- زنانگی (در برابر مردانگی)

- به عقیده هافستد زن‌گرایی به معنای گرایش افراد جامعه به برقراری ارتباط، تواضع و فروتنی، مراقبت از ضعیف‌ترها و بهبود کیفیت زندگی است و در مقابل، مردگرایی میزان گرایش افراد جامعه به داشتن رفتاری جسورانه در برابر برخورد متواضعانه را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، به معنای گرایش افراد جامعه به برتری طلبی، قهرمان‌پروری و دلاوری است
- بنابر مطالعات موجود، در ایران ویژگی‌های زنانه برقرار است و در این زمینه بنابر مطالعه هافستد شاخص مردانگی در ایران ۴۳ می‌باشد که از میانگین ۳۹ کشور که ۵۱ می‌باشد کمتر است.
- بالاترین شاخص مردانگی بر اساس مطالعه هافستد به ترتیب عبارتند از:
- ژاپن (۹۵)
- اتریش (۷۹)
- ونزوئلا (۷۳)
- این امر با یافته‌های مک کله لند درباره انگیزه نیاز به موفقیت در ایران مطابقت دارد.

- در يك مطالعه كه با عنوان "منش ملی و رشد اقتصادی در ایران و ترکیه" در مطالعه موردی - مقایسه ای، ایران و ترکیه با توجه به شرایط تقریباً برابر در زمینه های منابع طبیعی و ویژگی های پیشینه ای، انجام شد. در این مطالعه، نمره استاندارد "نیاز به موفقیت" به صورت زیر معین شد:
- ایران: ۱/۰۸ و ترکیه: ۲/۱۶،
- به این ترتیب، مشخص گردید، به بروز عواطف و احساسات در جامعه ایران بیش از برخوردهای خشک استدلالی توجه می شود و از مدیران نیز به جای رقابتگری، ثبات قدم، مرزشکنی و روراستی، انتظار نرمی و مسالمت، و به جای پیگیری پیشرفت و ازدیاد درآمد، انتظار توجه بیشتر به جنبه های اجتماعی و شرایط کار می رود.
- در چنین جامعه ای، ممکن است تمرکز بر کار و کارآمدی اهمیت کمتری داشته باشد و این در توافق با مطالعه **موحدی** در زمینه پایین بودن نمره تمرکز بر کار در صنعت ایران است (موحدی، ۱۳۸۲)

۳- فاصله قدرت بالا

در جوامع دارای فاصله قدرت بالا، کسب قدرت بسیار مهم بوده و صاحبان قدرت از امتیازات خاص برخوردارند و زیردستان در معرض سرزنش قرار دارند. مدیران حالتی مستبدانه و پدرمآبانه دارند و گروه کوچکی از نخبگان و به اصطلاح هزار فامیل، ثروت ها و فرصت ها را در دست خود متمرکز کرده اند.

- بنابر مطالعه هافستد، شاخص فاصله قدرت در ایران برابر ۵۸ می باشد که در مقایسه با میانگین ۳۹ کشور (۵۱)، نشان دهنده بالابودن فاصله قدرت در ایران است.
- فیلیپین دارای بالاترین شاخص فاصله قدرت (۹۴) بوده و اتریش با شاخص فاصله قدرت ۱۱ کمترین مقدار را دارا می باشد.
- **دلایل فاصله قدرت در ایران**
- **سریع القلم به دیرینه بودن فرهنگ استبدادی که منجر به بی توجهی به علم و روش علمی و تفکر علمی** شده به عنوان یکی از دلایل مهم عدم درک شرایط و روش های دستیابی به مطلوبیت ها اشاره می کند. از نظر وی بسیاری از رفتارهای ما در غیر عقلایی عمل کردن و اصرار بر تداوم آن، ریشه در فرهنگ قبیله ای و استبدادی دارد.

- افکار ما مدرن است ولی شخصیت و خلاقیت ما ریشه در تاریخ استبداد دارد.
- از نظر **مفتخری** در فرهنگ آمریت، تسلیم پذیری در برابر قدرت برتر، قاعده اصلی است و فرد می کوشد تا به هر نحو ممکن، رضایت حاکم را به دست آورد و به حریم او نزدیک شود و بدین سبب، فضای فرصت طلبی و چاپلوسی گسترش می یابد و شایسته سالاری جای خود را به ارادت سالاری می دهد.
- از دید **رفیع پور** نیز استبداد منجر به کاهش انتقادپذیری و افزایش چاپلوسی و تملق شده است.

۴- بی اعتمادی و بد بینی

- يك هنجار مورد انتظار در جامعه ای که فاصله قدرت در آن بالاست، بی اعتمادی به دیگران است. در چنین جامعه ای، هر فرد دیگری يك تهدید بالقوه است و به ندرت می توان به کسی اعتماد کرد؛ مطالعات انجام شده نشان دهنده نوعی از بی اعتمادی و سوء ظن به یکدیگر و به نظام اجتماعی است.
- **مطالعه چلبی:**
- در شاخص میل به بی اعتمادی شخصی نشان می دهد که هر چه از خویشان نزدیک (مثل پدر و مادر) دورتر می شویم، اعتماد کاهش می یابد و درصد بالایی از افراد (بیش از 65 درصد) به افراد غریبه بی اعتمادند.
- چنین مواردی، اگرچه ممکن است فی نفسه به مفهوم وجود برخی مشکلات در نظام اجتماعی و با انتظارات بالا و ایده آلی اعضای جامعه باشد، در جوهره خود نوعی بی اعتمادی به دیگران را نهفته دارد.

■ مطالعه حیبی:

- عدالت اجتماعی: نشان می دهد که درصد قابل توجهی از مردم، احساس مناسبی از وضعیت عدالت اجتماعی در جامعه ندارند. و ۶۹/۷٪ پاسخگویان رابطه مستقیمی با تلاش افراد و ارتقاء وضعیت آنها نمی بینند) و فقط ۱۸/۳٪ با این موضوع مخالفند.

■ مطالعه محسنی:

- عدالت سازمانی: اگر چه در این مورد برداشتهای مطلوبی وجود ندارد، اما وضع کمی بهتر است.
- ۵۰/۴٪ از پاسخگویان مایل نیستند در صورت امکان زندگی دوباره، بار دیگر به دنیا بیایند.
- ۳۴/۰۷٪ از پاسخگویان، هموطنان خود را خیلی دور و ۱۳/۳٪ تا حدودی دور می دانند و ۴۲/۹٪ آنها هموطنان خود را خیلی متقلب و ۲۶/۷٪ تا حدودی متقلب می دانند.
- تنها ۷/۶٪ از پاسخگویان با این اعتقاد مخالفند که همه ایرانیان به دنبال پولند و در مقابل ۹۱٪ یا کاملاً و یا تا حدی با این اعتقاد موافقند.

- **پارتی بازی:** ۶۵/۱٪ پاسخگویان موافق، و ۱۶/۲ تا حدی موافق این نظر هستند که بدون پارتی بازی نمی توان کاری کرد.
مطالعه وزارت ارشاد (پارتی بازی): ۸۷/۱٪ و خیلی جدی می دانند.
- مثلاً ۶۶/۱٪ پاسخگویان داشتن پول و پارتی را برای احقاق حق افراد لازم می دانند (و فقط ۱۶/۴٪ با این موضوع مخالفند)

- ۸۴/۴٪ موافق این عقیده اند که مشیت خود را نباید پیش هر کس باز کرد. (بی اعتمادی و بدبینی)
- ۷۴/۴٪ معتقدند که به سختی می توان دوست صمیمی یافت.

در مطالعه وزارت ارشاد

- ۶۳/۵٪ افراد وجود **اختلاف و چند دستگی** در جامعه را زیاد می دانند و ۲۱/۷٪ آن را در سطح متوسط ارزیابی می کنند.
- ۶/۵۸٪ وجود **ظلم و تبعیض** را در جامعه خیلی جدی و مهم و ۹/۲۳٪ اهمیت آن را در سطح متوسط می بینند.
- ۶۴/۶٪ وجود **تملق و چاپلوسی** را زیاد می دانند و ۱۷/۳٪ آن را در حد متوسطی ارزیابی می کنند.
- تنها ۱۹/۷٪ از پاسخگویان پای بندی به قول و قرار را در میان ایرانیان زیاد می دانند.
- در رابطه خصوصیات دیگری چون انصاف، صداقت، امانتداری و گذشت نیز برداشتهای نسبتاً مشابهی وجود دارد.
- باتسن و همکاران نیز **بد گمانی** را خصوصیت فراگیر و مهم ایرانیان می دانند.

۵- فردگرایی در مقابل جمع گرایی

- از نظر جامعه شناسان، فردگرایی دارای ابعاد مثبت و منفی می باشد. فردگرایی مثبت، که افرادی چون دورکیم، و مرتون به آن توجه داده اند، معمولاً یکی از مهمترین شاخصهای توسعه یافتگی تلقی می گردد و معطوف به خودباوری، خودشکوفایی، اعتماد به نفس، استقلال فردی، خود اثربخشی و احترام به فرد است که همگی دارای بار ارزشی مثبتی هستند.
- فردگرایی منفی، که افرادی چون تونیس و رایزمن به آن توجه داشته اند، معطوف به خودمداری، کسب سود شخصی به قیمت متضرر شدن دیگران، اتکای افراطی به خود و داشتن شخصیت اقتدارگرا می باشد. منظور از فردگرایی مثبت، اهمیت دادن به استعدادهای انسانها با هدف اعطای شخصیت و تفکر و خلاقیت به آنهاست، درحالی که مراد از فردگرایی منفی، خودپرستی و خود محوری و تقدم مطلق منافع شخصی بر همه چیز است.

مطالعات هافستد

- نمره فردگرایی در ایران برابر ۴۱ محاسبه شده است که در مقایسه با میانگین نمره فردگرایی ۳۹ کشور که برابر ۵۱ می باشد و در مقایسه با نمره ۹۱ آمریکا، ۹۰ استرالیا، ۸۹ انگلستان و ۸۰ کانادا و هلند، ایران را يك کشور بالنسبه جمع گرا نشان می دهد.

یزدانی بروجنی

- يك ضعف عمده جامعه را نداشتن روحیه کار و به خصوص کار جمعی می داند که نمود آن را چه در فعالیت های اقتصادی (مانند نبود شرکت های سهامی خصوصی با سهام داران زیاد) و چه در فعالیت های فرهنگی و اجتماعی می توان مشاهده کرد.
- زرنگی های جماعت ایرانی برای حل مشکلات به شیوه فردی و زبانزد و معتبر بودن آن در میان مردم نیز نمونه ای دیگر است.
- رواج شیوه های فردی حل مسئله و دسترسی به اهداف و ارزش های اساسی در جامعه،

مطالعه تائب

- ایرانیان، مهارتی در همکاری های گروهی و کارهای تیمی ندارند.

مطالعه کیانی و لطیفی

- معتقدند که ایران را باید در شمار کشورهای فردگرا به حساب آورد.
- وضع کنونی جامعه به گونه ای است که افراد براساس نیازها و علایق فردی خودشان در جامعه رفتار می کنند و در حقیقت می توان گفت که نوعی فردگرایی منفی در جامعه گسترش یافته است.

۶- خاص گرایی در مقابل عام گرایی

- مشخصه دیگری که به نوعی با فردگرایی مرتبط است خصوصیت خاص گرایی در برابر عام گرایی می باشد.
- **مطالعه رزاقی**
- منش اجتماعی یا نظام شخصیتی اغلب افراد جامعه ایران، در محمل شرایطی که مارکس تحت عنوان "استبداد آسیایی"، دورکیم تحت عنوان "همبستگی اجتماعی مکانیکی" و ماکس وبر تحت عنوان "اقتدار سیاسی سنتی پدرسالارانه و سلطانی" معرفی کرده اند، سمت و سویی خاص گرایانه، قوم و خویش گرآیانه و معطوف به پذیرش زور و تسلیم، سلطه پذیر، قیم پذیر و کم و بیش يك دست و دارای تشابه و همگونی بالا داشته است.
- از این پدیده تحت عنوان "خویشاوند گرایی" و به عنوان یکی از ویژگی های بارز فرهنگی که با توجه به میزان گستردگی و فراگیری می توان آن را در زمره بارزترین الگوهای فرهنگی جامعه برشمرد، نیز نام برده شده است.

مطالعه محمدی

- راه انداختن کار خویشاوندان و دوستان در يك اداره مقدم بر کار سایر افراد در حالی که روحیه کم توجهی به مراجعان در ادارات دولتی شایع است.
 - بی توجهی به مقررات راهنمایی و رانندگی و ناشکیبایی در برابر عابران و سایر رانندگان از يك سو و تعارفات و تشریفات بیش از حد در مهمانی ها و روابط دوستانه از سوی دیگر؛
 - توسعه روابط چهره به چهره؛
 - رواج پارتی بازی، یعنی انجام بهتر و سریعتر کار در صورت معرفی از طریق يك آشنا؛
- * نکته: در پژوهش محسنی و وزارت ارشاد پارتی بازی جزو شاخص های بی اعتمادی و بد بینی دیده شده است.

مطالعه طائفی

- به رواج نوعی قوم مداری اشاره می کند که از جمله به نوعی قضاوت قوم مدارانه در میان اقوام ایرانی منجر شده است به گونه ای که مثلاً تهرانی علیه اصفهانی و ...

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- یافته های پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان در ۲۸ استان کشور نشان می دهد که در امور اداری، حدود ۲۷ درصد در وضعیت بینابین بوده اند، در حالی که در هنگام نقض ضوابط اجتماعی (عبور از چراغ قرمز)، این وضعیت برعکس شده و حدود ۲۷ درصد از پاسخگویان، پاسخی عام گرا و بیش از ۵۳ درصد آنان پاسخی خاص گرا داده اند.

مطالعه چلبی

- نشان می دهد که تمایلات عام گرایانه قوی است و در حدود ۷۰ درصد پاسخگویان را در بر می گیرد.

سريع القلم

- معتقد است که ویژگی هایی چون خویشاوندگرایی، هزارفامیلی، بی قانونی، فردگرایی منفی، بی اعتمادی، فقدان اجماع و نهادگرایی تا حد زیادی ریشه در فرهنگ عشیره ای حاکم بر ایران دارد.

۷- تجدد و نوگرایی

- تجدد عبارت است از اقتباس مجموعه اوصاف و ویژگی های تمدن جدید که در طی چند قرن اخیر در اروپا و امریکا ظهور کرده است.
- مدرنیته همواره خود را در ستیز و چالش با کهنگی، کهنه پرستی، رکود، عقب افتادگی، توسعه نیافتگی و نیز در ستیز با هر گونه قدمت و سنت قرار می دهد و در واقع کشش و تمایل آن به سوی آینده است .
- برخی معتقدند می توان گفت که جامعه ایران به عنوان يك جامعه پیشامدرن به نحو نادرست وارد عرصه مدرن شده است. نتیجه این امر گرایش جامعه ما به سمت ظاهرپرستی و متظاهر شدن است.
- در واقع ما به ظواهر بها می دهیم و به آنچه دیده نمی شود کاملاً بی اعتنا هستیم و این ظاهرگرایی بر همه عرصه های زندگی ما مستولی است. مردم به معنای کاذب تنوع طلب شده اند و می خواهیم خودمان را چیزی به غیر از آن که هستیم نشان دهیم.
- به گونه ای می توان گفت ما از بیرون غربی و از درون شرقی هستیم.
- به عبارت دیگر، افکار مدرن داریم، ولی شخصیت غیرمدرن (سریع القلم).

۸- بی توجهی به زمان

ادگار شاین معتقد است در مقایسه ای میان دو نوع "فرهنگ شرقی" و "فرهنگ غربی"، متوجه می شویم که آنچه فرهنگ غربی می نامیم، بر "آینده گرایی" و "زمان تک بعدی" استوار است، و در مقابل، فرهنگ شرقی بر "حال گرایی" یا "گذشته گرایی" و تکیه بر "زمان چند بعدی" و "چرخه ای" تأکید دارد.

زمان تک بعدی:

زمان تک بعدی خطی است. برنامه ها يك به يك برنامه ریزی می شوند، يك رویداد بعد از دیگری. از طرف دیگر، زمان بسیاری از مشکلات به طور همزمان اتفاق می افتد. علاوه بر این، روابط بین فردی در این فرهنگ ها بسیار ارزشمند است. آنها زمان را به عنوان چیزی که می تواند مدیریت، برنامه ریزی، و به کار گرفته شود، می بینند. (آمریکا، آلمان، انگلیس)

زمان چند بعدی:

فرهنگ های چندبعدی زمان را انعطاف پذیر می دانند. از آنجا که زندگی چندان قابل پیش بینی نیست، برنامه ریزی و دقیق بودن مهم نیست. علاوه بر این، روابط با افراد بیشتر از برنامه ریزی ارزش دارد. ارزش بیشتری برای “بودن” وجود دارد تا “انجام دادن”. (جوامع آفریقایی، هندی، عربی و شرقی)

- در متون زیادی به وقت ناشناسی و بی توجهی ایرانیان به زمان اشاره شده است.

توسلی

- وقت کشی به جای وقت شناسی را یکی از آسیبهای فرهنگی کنونی می داند.

طائفی

- یکی از خصوصیات ایرانیان را بی توجهی به وقت می بیند.

فرجی ارمی

در پژوهشی به نام "شاخصهای عمده فرهنگ ایران"

- یکی از شاخصهای فرهنگ ایرانی را که از راه جستجو در کتابهای فرهنگی - تاریخی و سفرنامه ها تهیه کرده است - **غم آینده نداشتن** و فقدان دیدگاه تحلیلی راجع به قضایای گذشته، و نیز **بی توجهی به وقت و زمان** و اهل حساب و آمار نبودن، برشمرده است.

موحدی

- آینده گرایی یک گرایش غالب است.

چلبی

- در بحث آینده گرایی در مجموع برای حدود ۸۰٪ از افراد، آینده مهم است و به نحوی نگاه به آینده دارند، حدود ۱۰٪ نیز اهمیت چندانی به آینده نمی دهند و حدود ۱۰٪ بقیه به آینده توجهی ندارند. (تعارض با دیدگاه شاین در خصوص جوامع شرقی و دیدگاه فرجی ارمی)

۹- پذیرش ابهام

- هافستد، "پرهیز از ناشناخته ها" (پرهیز از عدم قطعیت، ابهام گریزی) را به صورت "میزانی که افراد هر جامعه در موقعیتهای غیرقطعی و نامعلوم احساس تهدید می کنند" تعریف کرده است.
- از آنجا که "آینده" امری نامعلوم به شمار می رود، انسانها با عدم اطمینان روبرو هستند و در برخی از جوامع، شهروندان خود را به این سو می کشند که بپذیرند ابهام يك واقعیت است و افراد نمی توانند برای تغییر آن کار چندانی انجام دهند.
- اما در مقابل، برخی دیگر از جوامع، افراد خود را تشویق می کنند تا در آینده نفوذ کنند و بر آن تأثیر گذارند و حتی آن را تغییر دهند؛ جوامعی که به افراد خود می آموزند که بردبار باشند و رفتاری متفاوت با رفتار خود را بپذیرند، در زمینه پرهیز از ابهام فرهنگی ناتوان هستند؛ و جوامعی که به اعضای خویش، بهتر کردن آینده را می آموزانند جزو دارندگان فرهنگ قوی در (مواجهه) با ابهام هستند.

هافستد

- پتانسیل پذیرش ابهام و قبول تردید در زندگی و مناسبات آن، در ایران نسبتاً بالاست. به عبارت دیگر شاخص پرهیز از عدم قطعیت (یا ابهام گریزی) در ایران ۵۹ می باشد که از میانگین ۳۹ کشور (۶۴) پایین تر است.
- بنابراین ایرانیها می توانند خود را با محیط تردید آمیز وفق دهند.
- از نظر هافستد یکی از خصوصیات مورد انتظار در جوامع با مشخصه پرهیز از عدم قطعیت پایین، اهمیت قائل نشدن برای وقت است؛ که با ویژگی "**بی توجهی به زمان**" مرتبط است.

باتسن و همکاران

- نیز به وجود پذیرش شرایط عدم اطمینان و ناامنی در ایران اشاره کرده اند.

چلبی

- حدود ۷۰٪ پاسخگویان برای تصمیم گیری نیاز به یقین دارند ولی تنها نزدیک به ۴۹ درصد آنان در حالت تردید بسیار ناراحت هستند و بقیه افراد یا در چنین حالتی ناراحت نمی شوند (حدود ۲۶٪) و یا کمی ناراحت می شوند.

۱۰- تقدیر گرایی

- اعتقاد به تقدیر و سرنوشت می تواند با رویکرد مثبت یا منفی انجام شود. اعتقاد به سرنوشت می تواند به مفهوم تسلیم کامل در برابر شرایط محیطی و برخورد انفعالی باشد.
- از سوی دیگر، می تواند متضمن اتکا به حمایتگری قادر و حکیم که امور ما را به بهترین وجه تحت حمایت خود دارد تلقی شود که در این صورت می تواند موجب روح شجاعت و جسارت در برخورد با شرایط باشد.

در مطالعه هافستد

- در ارزیابی میزان **اضطراب** در ۲۲ کشور، ایران نمره ای نزدیک به کمترین میزان اضطراب را نشان داده است.

محسنی

- ۴/۵۳٪ از پاسخگویان با این عقیده که سرنوشت هر فرد از قبل تعیین شده است موافقند و ۵/۱۶٪ نیز تا حدی با این عقیده موافقند.
- همچنین در مورد تعیین روزی از قبل و مؤثر بودن قضا و قدر در زندگی، درصد بالایی از پاسخگویان موافق بوده اند.
- وی شاخصی با نام شاخص جبرگرایی ساخته است که جبرگرایی کامل در آن نمره ۲۱ و عدم جبرگرایی کامل نمره صفر دارد. میانگین این شاخص ۱۶/۸۰ (با انحراف ۲۹/۳) و میانه آن ۱۷ و نمای آن ۱۹ بوده است که بالا بودن این شاخص را در جامعه نشان می دهد.

۱۱- دینداری

مطالعه وزارت ارشاد

- نزدیک به ۹۰ درصد از پاسخگویان در ۲۸ مرکز استان کشور، دین و ایمان را یکی از بهترین راه های غلبه بر مشکلات زندگی می دانند.
- این مطالعه نشان می دهد که در زمینه اعتقاد به خدا و معاد و توکل به خدا، که اصول دین هستند، موافقت پاسخگویان به حدود ۹۵ درصد می رسد.
- در مورد انجام اعمال واجب دینی ملاحظه می شود که درصد عاملین مقداری کاهش می یابد، به گونه ای که نزدیک به ۶۰ درصد همیشه اعمال واجب را انجام می دهند.
- حدود ۲۳ درصد اکثر اوقات، عامل هستند و حدود ۱۲ درصد نیز گاهی اوقات چنین می باشند.
- بیش از ۳۵ درصد پاسخگویان به تمرکز دین بر جنبه های باطنی توجه بیشتری دارند و حدود ۵۴ درصد معتقد به مراعات اعمال مذهبی هستند.

مطالعه محمد رضا طالبان با عنوان "دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش آموز"

- بیش از ۹۵٪ در مورد نبوت حضرت محمد(ص)، اعتقاد دارند.
- مطالعات انجام شده نشان دهنده وضعیت نسبتاً مناسبی از دینداری است.

(۱۲) دوگانگی گفتار و رفتار / تعارفی بودن

ایرانیان بسیار مهمان نواز هستند و از پذیرایی و بخشش کوتاهی نمی کنند.

- اما بسیاری از سیاحان اروپایی مثل ها و کنایه های ایرانیان در باره ی تعارف را خوب نفهمیده اند.
دوکوتزبوئه جهانگرد روسی (۱۸۱۷ میلادی) می گوید:

- " تعارف های ایرانیان آن چنان که اروپاییان فهمیده اند، جدی و حقیقی نیست. این تعارف، تنها سخنانی ادبی است که نسبت به مهمان ابراز می دارند برای مثال وقتی صاحب خانه به شما می گوید: «خانه به شما تعلق دارد» این را نباید حقیقی فرض کرد، ممکن است ایرانیان چیزی را که به شما تعارف می کرده اند، به شما بدهند. در چنین موقعی آن پیشکش، باید چیزی باشد که بتوانند از آن صرف نظر کنند. دیگر این که در مقابل آن، چیزی را که دو برابر ارزش دارد، از شما می خواهند!"

هنری موز سیاحتگر سویسی (دوره قاجار) می گوید:

- " در سرزمین ایران آنچه ملاحظه کردم و دیدم دو چیز است که در میان مردم متداول است که هیچ مایه نمی خواهد و هم حاصل اجتماعی ندارد، یکی چرب زبانی... و دوم بر یکدیگر تعارف های مکرر کردن..."

نتایج مطالعه هافستد

کشور	فاصله قدرت	فردگرایی	مردانه طبعی	ابهام‌گریزی	افق دید	افراط‌گرایی
پرو	۶۴	۱۶	۴۲	۸۷	۲۵	۴۶
پورتوریکو	۶۸	۲۷	۵۶	۳۸	۱۹	۹۹
تائوانیا	۷۰	۲۵	۴۰	۵۰	۲۴	۳۸
تایلند	۶۴	۲۰	۳۴	۶۴	۲۲	۴۵
تایوان	۵۸	۱۷	۴۵	۶۹	۹۳	۴۹
ترکیه	۶۶	۳۷	۴۵	۸۵	۴۶	۴۹
ترینیداد و توباگو	۴۷	۱۶	۵۸	۵۵	۱۳	۸۰
ایران	۵۸	۴۱	۴۳	۵۹	۱۴	۴۰
جمهوری چک	۵۷	۵۸	۵۷	۷۴	۷۰	۲۹
جمهوری دومینیکن	۶۵	۳۰	۶۵	۴۵	۱۳	۵۴
جمهوری کره جنوبی	۶۰	۱۸	۳۹	۸۵	۱۰۰	۲۹
چین	۸۰	۲۰	۶۶	۳۰	۸۷	۲۴
دانمارک	۱۸	۷۴	۱۶	۲۳	۳۵	۷۰
رمانی	۹۰	۳۰	۴۲	۹۰	۵۲	۲۰
روسیه	۹۳	۳۹	۳۶	۹۵	۸۱	۲۰
زامبی	۶۰	۳۵	۴۰	۵۰	۳۰	۴۲
ژاپن	۵۴	۴۶	۹۵	۹۲	۸۸	۴۲

ملاحظات

باید پذیرفت که فرهنگ ایرانی که نماد بارز آن در رفتارهای آنها مشاهده می شود بحث برانگیز شده است (فراسخواه).

اما

- نمی توان ذات باورانه و تقلیل گرایانه از روحیات خاص و ثابت ایرانی سخن گفت.
- در کل عنوان ایرانیت دایره گسترده ای است که ناظر بر **تفاوت های رفتاری افراد، اقوام، مذاهب و** گروه های مختلفی در دوره های گوناگونی است و دفعی و ناگهانی شکل نگرفته است.
- مردم تمام فرهنگ ها و جوامع جوان حتی در توسعه یافته ترین کشورها در معرض مشکلات رفتاری مانند پنهان کاری دروغ ضعف کار گروهی و مانند آن بوده و هستند کما این که در میان ایرانیان صفات و رفتارهای خوب کم نبوده و نیست.
- اخلاق امروزی آن ها به مسیر گذشته و **پیروزی ها و شکست ها**، کامیابی ها یا ناکامی های آنها بستگی دارد.

- هر نوع تصویرگری يك سويه و ثابت از چيستی يك جامعه و فرهنگ، در معرض انواع خطاهای منطقی است.
- اینکه کسی ادعا کند که تمام مشکلات فرهنگی مردم کشوری (ملتی) را می شناسد ادعای بسیار بزرگی است.
- روحیات و خلییات آن ها ریشه در سرگذشت نهادها، محیط جامعه، **رویدادهای تاریخی** عارض شده بر آن دارد.

برخی علل رفتارهای فرهنگی ایرانیان

۱- حملات بسیار گسترده به ایران در طول تاریخ

❖ منظور از حمله، تهاجمی است که به سلطه قومی خارجی با منافع متفاوت، و تأمین اهداف آن قوم برای مدتی طولانی منتهی شده است (که حملات تیمور و مغول، محمود افغان، اعراب و... از این دسته اند).

❖ که به ایجاد ترس و روحیه محافظه کاری و در کنار آن افزایش خشونت در جامعه می انجامید.

۲- آب و هوا

- ❖ آب و هوای گرم و خشك ایران؛
- ❖ كمبود آب و مسأله مدیریت آن؛
- ❖ تاثیر آب و هوا بر سیستم رفت و آمد انسانها؛
- ❖ تاثیر آب و هوا بركنش طبیعت و انسان؛

۳- عدم تبلور بلوغ احساسی

- در حالی که اکثر ایرانیان بلوغ جنسی و بلوغ نسبی عقلی را تا زیر سن بیست سالگی تجربه می کنند، یا به بلوغ احساسی نمی رسند یا بسیار دیر به این بلوغ می رسند.
- بلوغ عاطفی به این معناست که فرد به حدی از پختگی احساسی برسد که راه حل های پیچیده تری برای مشکلات روزمره عاطفی خود پیدا کند.
- از احساس خود به صورت پیچیده تری برای حل این مشکلات استفاده کند.
- توانایی کنترل نوسانات شدید آن را داشته باشد.
- پیچیدگی رفتار به طور معمول باعث کاهش خشونت در زندگی می شود که خشونت معمولاً جزو راحت ترین راه حل ها است. دلیل اصلی چنین اتفاقی را باید در نحوه زندگی ایرانیان و مقایسه آن با زندگی جوانان در جوامع مدرن جستجو کرد.

۴- ضعف در کار گروهی / جمعی

- بر کمتر کسی پوشیده است که فرهنگ ایرانی از ضعفی عظیم در کار گروهی رنج می برد.
- دسته دسته شدن و ساز فردی سر دادن در فرهنگ ایرانی را می توان در بسیاری از جاها دید، در دانشگاه، محیط کار، محیط های سیاسی و اجتماعی و حتی در داخل خانواده ها.
- دلایل:
- عدم توانایی فرد در تعمیم خود خواهی فردی به خود خواهی گروهی، که باعث ائتلاف انرژی بسیار در فعالیت های جمعی ایرانیان می شود و بازدهی و قدرت این گروهها را به شدت کاهش می دهد.
- تاکید بر اختلافات به جای شباهت ها، عدم گذشت و خشونت های نابجا، نشانه های ضعف در کار گروهی و جمعی است.

۵- القا پذیری

- تحت تاثیر القائات اطرافیان و جامعه قرار گرفتن (که از آن به جو زدگی نیز تعبیر می شود) به نوعی در همه فرهنگها وجود دارد ولی ایرانیان به طور معمول راحت تر از جوامع مدرن تحت تاثیر القائات قرار می گیرند.
- این امر باعث می شود که مسائلی در بین ایرانیان به شدت رایج شود که دلیل منطقی قابل قبولی برای این چنین شدتی وجود ندارد.
- هم‌رنگی با جماعت، جدا از اینکه ریشه در محافظه کاری دارد، ریشه در القا پذیری ایرانیان و تأثیرات محیط بر آنها نیز دارد.
- این ویژگی، آزادی و خلاقیت را به شدت تضعیف می کند. علاقه ناگهانی ایرانیان به شبکه های اجتماعی و مجازی و یا علاقه خاص به يك نوع خاصی از پوشش یا آرایش از این دست است.

۵- ضعف در تربیت فرزند و نسل‌های آینده

روابط بین پدر مادر و فرزند و نحوه کنترل رفتار فرزند یا تربیت وی یکی از پیچیده ترین برخوردهایی است که در زندگی انسان پیش می آید.

برای کنترل رفتار فرزند راه‌های مختلفی وجود دارد که

رفتار ایرانی‌ها بعضاً به صورت افراط در دوسوی امتیاز دادن به فرزند و آزادی مطلق وی و یا محدود کردن او قرار می گیرد.

تا جایی که حل کردن مسائل زندگی به کمک خشونت فیزیکی یا گفتاری به طور معمول یکی از ساده ترین راههایی است که هنوز هم انتخاب می شود؛ راه حلی که حتی به ذهن کودک در زندگی روزمره هم می رسد.

استفاده از این دوراه حل و فقدان راهکارهای بینابینی و علمی حتی در طبقات بالای اجتماعی ایران هم دیده می شود و موردی نیست که صرفاً مختص طبقات پایین فرهنگی ایران باشد.

۶- محافظه کاری تاریخی

- متأسفانه به علت تهاجم های ویرانگری که بر ایرانیان در طول تاریخ تحمیل شده است (و منجر به سلطه شده) که یکی از دهشتناک ترین این حمله ها، تهاجم مغولیان و یکی از طولانی ترین این سلطه ها، سلطه اعراب بوده، در کنار سیستم عقیدتی ایرانیان که آن هم کاملاً تحت تاثیر این حمله ها قرار گرفته، ایرانیان از لحاظ فکری و منش زندگی محافظه کار محسوب می شوند.
- این محافظه کاری متأسفانه نتایج بسیار منفی ای برای فرهنگ ایرانی به ارمغان آورده است.
- راه اظهار نظر و آزادی در رفتار و گفتار را بعضاً به روی وی بسته است.
- سبب ابهام گرایی گسترده در رفتار وی شده است.

۷- ایده آل گرایی آرمان گرایی

□ ایرانی ها مردم ایده آل گرا و آرمان گرایی هستند که این ایده آل گرایی را در گوشه گوشه زندگی آنان می توان دید. منظور از ایده آل گرایی و مترادف آن آرمان گرایی نوع نگرشی است که به کمتر از عالی و استانداردهای بسیار بالا راضی نمی شود و نگرشی در تضاد با عمل گرایی و پراگماتیسم دارد که به رسیدن به هدف می نگرد.

□ ایده آل گرایی ریشه در عقاید مذهبی و تاریخی ایرانی ها هم دارد که معمولاً افرادی ایده آل را به عنوان اسطوره در تاریخ مذهب و کشور خود قرار داده اند و آنان را به عنوان الگو دیده اند.

□ شاید این فرهنگ خود موجب شده است که ایرانیان چنین برداشتی از آنان داشته باشند. در ظاهر اول به نظر نمی آید که این آرمان گرایی خصلتی منفی باشد ولی اگر نیک بنگریم می بینیم که قسمتی از مشکلات فرهنگی ما ایرانیان ریشه در این تفکر به شدت آرمان گرایانه دارد.

۸- ظاهر گرایی

ظاهرگرایی یا ژست گرایی به جزو ثابتی از فرهنگ ایرانی تبدیل شده است. اینکه سعی کنیم در ژستهای غیر واقعی از هم سبقت بگیریم و احترام بخریم.

این ویژگی در صورتی که به امری همیشگی تبدیل شود و در فاصله با جایگاه واقعی فرد باشد می تواند به شدت مخرب و انرژی گیر باشد.

مشکل اصلی کار این است که این تظاهر در بسیاری از اوقات ناشی از عدم اعتماد به نفس افراد می باشد.

فرد به آنچه که هست باور ندارد و سعی می کند نقش دیگری را بازی کند و یا اینکه اگر خود را باور دارد **جامعه آرمان** گرا اطراف او، به او باور ندارد و فرد سعی می کند نقش در خواست شده از طرف جامعه را بازی کند.

نتیجه این عمل آن است که انرژی ای که باید صرف بهبود واقعی فرد شود صرف به شکل دیگری در آمدن و ظاهر گرایی فرد می شود. از نتایج این ظاهر گرایی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۹- کم توجهی به نظریه نقش

- نظریه نقش

- در این نظریه افراد به ساختار اجتماعی بزرگتری مرتبطند و هر شخص درون تعدادی از نظام‌های پایگاهی، جایگاهی را اشغال می‌کند.
- نقش مفهومی کلیدی است که فرد و ساختار اجتماعی را با یکدیگر مرتبط می‌کند.
- با گرفتن نقش و ایفای آن در شبکه اجتماعی هم رضایت فرد و هم رضایت دیگران حاصل می‌شود که این مهم در پرتو رفتار مسئولانه حاصل می‌شود.

۱۰- دل زدگی از نقش

هرگاه فردی به شیوه‌ای بی تفاوت نقشی را انجام دهد، این حالت وی را دل زدگی از نقش می‌گویند.

این حالت زمانی رخ می‌دهد که نقشی در زندگی يك فرد اولویت چندانی نداشته باشد.

در این حالت، شخص به جای آنکه نقش خود را با جان و دل انجام دهد، تنها برای آنکه ناچار و ملزم به ایفای آن است، آن نقش را بازی می‌کند.

اجرای يك چنین نقشی غالباً با فشارهای روانی همراه است، مگر آنکه شخص اولویت‌های خود را تغییر دهد و در نتیجه، برای نقش خود معنای مثبت‌تری قائل شود.

۱۱- تعارض نقش

فردی که نقش یا نقش‌هایی را در اختیار داشته باشد که آن نقش‌ها چشم داشت‌های رفتاری متناقض یا متعارضی را ایجاب کنند، احتمال دارد که دچار تعارض نقش شود.

در جامعه صنعتی نوین که شاخص آن عضویت در گروه‌های گوناگون است، از بیشتر افراد انتظار می‌رود که به الزام‌های بیش از يك نقش تن در دهند.

احتمال زیاد می‌رود که این نقش‌ها با یکدیگر در تناقض باشند و در نتیجه، فرد را دچار يك حالت بی‌سامانی کنند.

هم‌چنین احتمال دارد که شخص حتی در اجرای يك نقش، دچار تعارض شود.

۱۲- تجمل گرایی؛

۱۳- فاصله روشنفکران و توده

- متأسفانه در جامعه ایرانی برخی بزرگان جامعه معمولاً در پی آنند که به هر نحو ممکن این برتری را به طبقات پایین تر نشان دهند؛ حتی اگر این نشان دادن به فاصله گرفتن از عوام و بدنه جامعه منجر شود. این رفتارها را می توان بین سیاست مداران و توده جامعه به وضوح یافت.

۱۴- عدم توانایی در اولویت بندی

- اولویت بندی در بسیاری از اوقات به معنای آن است که ما قبول کرده ایم که نمی شود به همه چیز رسید پس باید از بین اهداف، مهم ترین ها را انتخاب کرد. ولی وقتی هدف رسیدن به همه چیز باشد و یا فرد تنها قسمتی از اهداف را ببیند و از دیدن باقی اهداف غافل باشد دیگر اولییتی مطرح نیست.

۱۵- تفکر طبقاتی و عدم توجه به تفاوت های فردی

- تفکری است که سعی دارد بین آدم ها، نژاد ها و موقعیت ها به يك دسته بندی جامع و ثابت از برتری برسد که این دسته بندی مستقل از جزییات شخصیت فرد متقاضی دسته بندی است.

راهکارها

جامعه پذیری صحیح

- به روندی گفته می شود که در آن شخص در طول حیات خویش هنجارها، عرفها و ارزش های جامعه خویش را یاد می گیرد. به عبارتی؛ آماده شدن فرد توسط جامعه برای بر عهده گرفتن نقش ها را جامعه پذیری می گویند.

درونی کردن ارزشها

همه انسان ها از زمانی که متولد می شوند در فرآیندی قرار می گیرند که جامعه شناسان به آن اصطلاحاً اجتماعی شدن می گویند.

در فرآیند اجتماعی شدن انسان ها از طریق ارتباط با نهاد ها و انسان های دیگر آداب، رسوم، هنجارها، قوانین و مقررات و به طور کلی با فرهنگ يك جامعه آشنا شده و آن را درونی کرده و فرا می گیرند.

کنترل اجتماعی

- کنترل اجتماعی عبارت از روشهایی است که بر رفتار افراد اثر می گذارد و آنان را به پیروی از هنجارها و ارزشها وادار می کند. در صورتی که فردی از هنجارهای اجتماعی سرپیچی کند و رفتارش مخالف هنجارها و ارزشهای اجتماعی باشد، از طرف گروه یا جامعه مورد سرزنش و مجازات قرار می گیرد.
- واژه کنترل اجتماعی در زبان انگلیسی به معانی قدرت، توانایی، تسلط و اقتدار آمده است. این واژه در زبان فرانسه با مفهوم اجبار اجتماعی منطبق است و این همان معنایی است که اگوست کنت تحت عنوان قدرت معنوی به کار برده است

برخی راهکارهای سازمانی اصلاح رفتار فرهنگی

- ✓ ارائه بازخورد رفتار مثبت افراد به آنان.
- ✓ ارائه اطلاعات به افراد در مورد حوزه مسئولیتی آنان.
- ✓ طراحی نظام پیشرفت و ارتقاء سازمانی.
- ✓ طراحی مدل اجرایی شایسته سالاری.

- ❖ ارتقاء و پیراسته کردن **نظام مدیریتی** از نواقص موجود.
- ❖ نهادینه سازی شایسته سالاری در سازمانها.
- ❖ احترام به ذی نفعان سازمانها و ارباب رجوع.
- ❖ چرخش نخبگان.
- ❖ توسعه اخلاق مداری در سازمانها و جامعه.
- ❖ احترام به حقوق شهروندی.
- ❖ توسعه شفافیت در جامعه و سازمانها.
- ❖ توسعه اقتصادی با استفاده از دانش و تجربیات جدید و نهادینه سازی الگوهای اقتصادی متناسب با شرایط جامعه و ارزشها.
- ❖ اصلاح الگوی مصرف.
- ❖ ایجاد آرامش روانی و امنیت خاطر در جامعه.
- ❖ توسعه علمی و احترام به نخبگان و صاحبان تفکر و ایده.

تحکیم نهاد خانواده

- خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که انسان در بدو تولد با آن آشنا و از آن طریق به دیگران معرفی می شود. همین اهمیت و مرکزیت زندگی خانوادگی در حیات اجتماعی انسان، به روشنی حاکی از لزوم مقدم داشتن خانواده است.
- خانواده انتقال دهنده اصلی ارزش های فرهنگی و عمده ترین الگوی رفتاری نسل بعد است و ارزشهای اصولی بشر همچون احترام، پذیرش تنوع، برابری، لطف و کمک، مسئولیت در قبال دیگران، راستی، درستی و گذشت و همیاری در درون خانواده شکل می گیرد.

اثرگذار نمودن نهاد تعلیم و تربیت / نظام آموزشی

- در همه کشورها در جهان امروز، از جمله کشورهای جهان سوم، تعلیم و تربیت به صورت يك حوزه عمده سرمایه گذاری در آمده است.
- علت اساسی سرمایه گذاری روی نهاد تعلیم و تربیت به خاطر نقش اساسی و مثبت آن در جامعه است.
- نهاد تعلیم و تربیت یکی از نهاد هایی است که فرایند اجتماعی شدن در آن صورت می گیرد.
- تغییر روش ها و الگوهای آموزشی.
- نهادهای آموزشی هر کشور در انتقال ارزش ها، سنت ها و هنجارهای اجتماعی نقش مهمی دارند.
- منعکس کننده ارزش ها و هنجارهای فرهنگی - اجتماعی جامعه محسوب می شوند.
- با تاکید و شایستگی های پایه یعنی مجموعه ای ترکیبی از صفات و توانمندی های فردی، که به جنبه های هویت عقلانی، عاطفی، ارادی و علمی اشاره می کند، زمینه دستیابی افراد را به شاخص های مورد نیاز جامعه فراهم می سازد.

افزایش سرمایه اجتماعی

- 'فوکویاما' سرمایه اجتماعی را منعکس کننده توان افراد برای کارکردن با هم در جهت اهداف مشترك در گروهها و سازمان ها می داند.
- به نظر اندیشمندی همچون 'رابرت پاتنام' (از پیشگامان رابطه میان توسعه منطقه ای و سرمایه اجتماعی)، سرمایه اجتماعی به معنای ویژگی های سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه هاست که می تواند کارایی جامعه را با تسهیل کنش های هماهنگ بهبود بخشد.
- سرمایه اجتماعی را ارتباط و شبکه های اجتماعی ای که می توانند اطمینان و حس همکاری را در میان افراد حاضر در شبکه های مورد بحث ایجاد کنند نیز دانسته اند.
- به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه ای نشان دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر است. همچنین وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش های اجتماعی می شود.

افزایش سرمایه فرهنگی

- مفهوم سرمایه فرهنگی از نظریات جامعه‌شناس فرانسوی پیر بوردیو سرچشمه گرفته است.
- به عبارت دیگر از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی عبارت است از
- توانایی در اختیار گرفتن کالاهای فرهنگی و همچنین استعداد و ظرفیت افراد در شناخت و کاربرد آن، شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، توانایی‌های ادبی - گفتاری، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب.
- اصطلاح سرمایه فرهنگی را بازنمای جمع نیروهای غیراقتصادی مثل زمینه خانوادگی، طبقه اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌های گوناگون و تعهدات نسبت به تعلیم و تربیت، منابع مختلف و مانند آنها می‌دانند که بر موفقیت آکادمیک (علمی یا تحصیلی) تأثیر می‌گذارد.
- تمرکز اصلی تئوری سرمایه فرهنگی این است که فرهنگ از طریق سیستم آموزشی که بازتاب فرهنگ طبقه حاکم است، انتقال یافته و تشویق می‌شود و نهایتاً موجب بازتولید همان فرهنگ خواهد شد.

رشد تفکر انتقادی

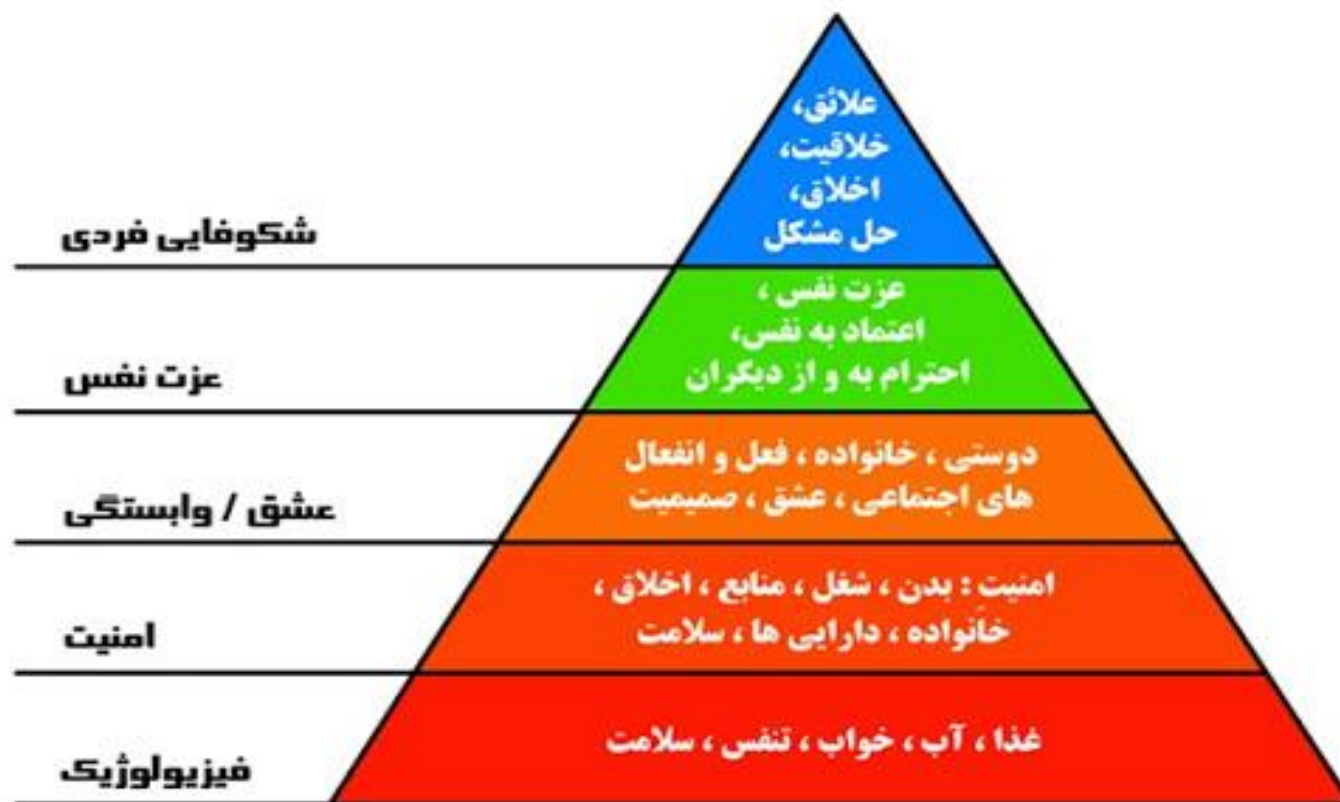
تفکر انتقادی توانایی تفکر واضح و منطقی و درك ارتباط بین ایده‌ها است که از زمان فیلسوفان اولیه یونان مثل افلاطون و سقراط تا عصر مدرن وجود داشته و دارد. این مهارت، فواید و کاربردهای بسیاری دارد مثل بحث و تفکر برای حل مشکلات و توانایی تشخیص اخبار جعلی.

- **فردی تفکر انتقادی، یا تفکر نقادانه** دارد که قادر است پرسش‌های مناسب بپرسد و اطلاعات مربوط را جمع‌آوری کند. سپس با خلاقیت آن‌ها را دسته‌بندی کرده و با **منطق استدلال** کند؛ و در پایان به يك نتیجه قابل اطمینان درباره مسئله برسد.
- ارتباط بین نظرها را درك کند.
- اهمیت و مرتبط بودن بودن ایده‌ها و بحث‌ها را مشخص کند.
- مباحث را تشخیص دهد، آنها را ایجاد کرده و اطلاع رسانی کند.
- خطاها و عدم ثبات منطقی را تشخیص دهد.
- رویکرد خود در مواجهه با مشکلات را از روش سیستماتيك و با ثبات انتخاب نماید.
- از فرضیات، عقاید و ارزش‌های خودش دفاع کند

اقتصاد شکوفا و فقر ستیز

- در متون دینی، مدیریتی و روانشناسی برای انسان نیازهای اولیه ای برشمرده شده اند. که تا برآورده نشدن این نیازها، ایجاد سایر نیازها دور از دسترس خواهد بود.
- بر اساس سلسله نیازهای دانشمندانی چون مازلو، مسیر رشد و حرکت اندیشه و تمایل نیاز به مفید بودن، مطالعه، کسب دانش و هنر و سایر نیازهای متعالی انسانی، از دریچه نیازهای مادی می‌گذرد.
- فقر و نیازهای مادی انسانها را فرومایه می‌کند.
- فکر، اندیشه و خرد را از جامعه دور می‌سازد.
- جامعه فقیر هر چند کلیسا، کنیسه، مسجد و معلم اخلاق داشته باشد، چون سر اندیشیدن و وقت آن را ندارد، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.
- در طول تاریخ ثبات سیاسی و اقتصادی، منشا رشد فرهنگ، هنر و علم در جوامع بشری بوده است.
- اندیشه در تن سالم نهفته است و مغزی که همیشه در روزمره خود بماند، فاقد اندیشه خواهد بود.
- جامعه فقیر فاقد فرهنگ صحیح، سیستم آموزشی و مدیریتی کارآمد خواهد بود.

سلسله مراتب نیازهای مازلو



گذری برویژگی ها و رفتارهای فرهنگی مثبت ایرانیان

❖ مهمان نوازی، خون گرمی و پذیرفتن دیگران؛

❖ صبر و حوصله ؛

اگرچه مدارا کردن همیشه قابلیت ممتازی نیست و نگاه مثبتی که ایرانی ها همیشه به آینده دارند، می تواند نقطه ضعف آنان باشد.

❖ وطن دوستی؛

❖ قومیت ها؛

❖ برخورد توأم با سیاست و تدبیر؛

سیاست و تدبیری که همیشه به صورت نهفته در اندیشه ایرانی شکل گرفته است، حوزه تهدیدزا را به قابلیت فرهنگی تبدیل کردند.

- امیدواری، امید آفرینی و تلاش برای شکوفایی؛
- نوع دوستی؛
- آزادی خواهی؛
- غیرت و غرور؛
- ظلم ستیزی؛
- دلبستگی به پیشینه ی فرهنگی، میهن و نیاکان؛
- دینداری در معنای عام و اعتقاد به مابعدالطبیعه؛
- پیوند با شعر، هنر و ظرافت های زندگی؛
- دانش دوستی؛
- شجاعت و پهلوانی؛

عوامل اثر گذار بر دیدگاه پژوهشگران و گردشگران خارجی

• (۱) عامل زمان

- برای مثال کسانی که در دوره های شکوفایی تمدن و دانش ایرانیان از سرزمین های ما دیدن کرده اند از دیدگاه مثبت تری نسبت به جهانگردانی که در دوره های رکود تاریخی مسافر ایران زمین بوده اند، دارند.
- جهانگردانی که در دوره های هخامنشی، ساسانی و صفوی به ایران آمده اند، دائما از ایرانیان را مورد ستایش و تحسین قرار می دهند در عوض جهانگردانی که در سده ۱۹ از ایران بازدید کرده اند نگاه و دیدگاه منفی تری دارند.
- ذکر این نکته هم اهمیت دارد که برخی از رفتارها در طول تاریخ ثابت و پابرجا هستند و برخی نیز دچار تغییر و دگرگونی شده اند.

(۲) عامل مکان

- آنچه که در سفرنامه های جهانگردان جلب توجه می کند برخی از شهرها و مناطق ایران بیش از شهرهای دیگر به دل این جهانگردان نشسته است برای مثال بازدید از شهر تاریخی و فرهنگی شیراز در دوره های مختلف برای این افراد جذاب بوده است در مقابل برخی از مناطق دیگر به دلایل متفاوت مورد توجه سیاحان قرار نگرفته است.
- از طرفی دیگر ویژگی های طبیعی همچون کوه ها، جنگل ها، کویرها و دریا ها هر کدام عاملی برای جذابیت و یا سختی سفر برای این افراد بوده است.
- (۳) رفتار مردم و اقوام مختلف
- این موضوع بسیار طبیعی است که مردم در موقعیت ها و زمان های متفاوت رفتار گوناگونی را از خود نشان دهند.
- برای مثال ابن بطوطه از دست و دلبازی اصفهانی در قرن هفتم هجری سخن گفته است، در صورتی که ژان شاردن در چند قرن بعد همچین نظری ندارد!
- اما در مجموع ویژگی های رفتاری ثابتی وجود دارد که تمامی جهانگردان در دروه های مختلف از آن یاد کرده اند همانند **مهمان نوازی، هنرمندی، عطوفت** و ...

۴) میزان دانش و اطلاعات قبلی

- جهانگردانی که اطلاعات دقیق تر و پیش زمینه قوی تری نسبت به ایران داشته اند در سفرنامه هایشان اظهارنظرهای محکم تر و ژرف تری داشته و دیدگاه مثبت تری به ایران دارند.
- برای نمونه **بازیل نیکیتین پژوهشگر روس** که در سال های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۹ میلادی در ایران حضور داشت می گوید :
- "... ایرانی که من شناختم، کشوری است که به آن مهر و علاقه پاک و مخصوصی دارم. این دلبستگی به ایران، پس از تحصیلات عمیق خاورشناسی در من ایجاد و راسخ گردید."

ویژگی های مثبت فرهنگی ایرانیان از نگاه
پژوهشگران و گردشگران خارجی

- **الجزیره می نویسد: جان سیمپسون روزنامه نگار مشهور انگلیسی** پس از سفر به ایران در سال ۲۰۱۴ گفت: ایران از جذابترین کشورهای جهان بوده و داری آب و هوای لذت بخش و مردمی با فرهنگ و مهمان نواز و آثار باستانی بی نظیر و متنوع است.
زمانی که در پارکها قدم می زنید خانواده های ایرانی شما را به جمع خودشان دعوت می کنند.
- **ژان کلود ژنو روزنامه نگار فرانسوی** نیز درباره ایران گفته بود: واقعا شوکه شدم و حتی کلمه شوکه را نیز نمی توان برای بیان احساس من نسبت به ایران کافی دانست. شگفت آور بهترین کلمه در توصیف ایران است.
ایران اصلا به تصویری که غربی ها از این کشور ساخته اند شبیه نیست.
- **روزنامه دیلی میل انگلیس** در گزارشی درباره کشورهای امن و خطرناک جهان برای گردشگران **در سال ۲۰۱۸** ایران را به عنوان **کشور امن** برای گردشگران معرفی کرد.

(۱) تربیت و آداب دانی

- ایرانیان همواره تحت تعلیم و تربیت در کانون خانواده و بیرون از خانه بوده اند. نشانه های بسیاری از مکاتب مختلف برای آموزش دیدن در دوران باستان تا کنون در ایران دیده می شود.
- علی رغم این مکاتب، کتاب های زیادی همچون اندرزنامه پندنامه، خردنامه، شاهنامه و . . . با هدف آموزش دادن، ایجاد روحیه آداب دانی، شجاعت، پهلوانی و . . . در نزد ایرانیان تألیف می شده است.
- تاریخ نگار یونانی **هرودوت** اساس تربیت ایران در دوره هخامنشی را "راستگویی" می داند و می گوید:
- "در ایران تربیت فرزندان بر ۳ اصل اساسی قرار دارد. در واقع ایرانیان در تربیت فرزندان خود این ۳ اصل را از همه مهمتر می شمارند: **اسب سواری، تیراندازی با کمان و راستگویی**"

- **گزنفون** در سال ۴۴۵ پیش از میلاد می گوید:
- "همه ایرانیان می توانستند کودکان خود را به مدرسه های عمومی بفرستند. این برای کسانی است که نیاز به کمک فرزند در امور چرخش زندگی ندارند. نتیجه این کار پارسیان این است که آنان از تن پروری دوری می گزینند و ادب اجتماعی را حفظ می کنند."

- **گروته آلمانی** در سال ۱۹۱۰ میلادی نوشته است:
- "ایرانیان مردمانی بسیار مؤدب هستند حتی باربرهای این کشور هم هنگام سخن گفتن، به خصوص وقتی می خواهند خود را مؤدب جلوه دهند، برای مخاطب قرار دادن طرف مقابل از عنوان قربان استفاده می کنند"

۲) زیرکی ، تیزهوشی و فرصت طلبی

فلاندن (۱۸۴۰ میلادی) ضمن تمجید از هوش فطری و قابلیت ترقی ایرانیان می گوید:

- " هیچ کشوری مثل ایران نیست که هرکس در صورت حائز شرایط ترقی بودن، بتواند از طبقه پست به مقام بلند برسد "

میلسپو (۱۹۲۲-۱۹۴۵ میلادی) از فهم و شعور سیاسی ایرانیان تجمید کرده و می گوید :

- " ایرانی ها به طور عمومی دارای فهم سیاسی هستند و موقعیت جغرافیایی و حوادث تاریخی باعث شده که مسائل سیاسی بین المللی به صورت یکی از موضوعات مورد توجه آنان درآید. "

ویلیام بیمن آمریکایی (۱۳۸۶ شمسی) درباره زرنگی ایرانیان نوشته است :

- " ایرانیان زرنگ می دانند که چه موقع با باد، جهت عوض کنند. "

۳) مهمان نوازی و گشاده دستی

ژوبر (دوره قاجار) می گوید :

- " میزبان ما در پذیرایی دقیقه ای فروگذار نمی کرد، غذا به حد افراط وجود داشت کاملاً مراقب ما بود که مهمانان چیزی کم و کثر نداشته باشند، خدمه نیز در پذیرایی، به پیروی از اربابشان، نهایت مراقبت را معمول می داشتند. "

ابن بطوطه در خصوص اصفهانی ها می گوید:

- " اصفهانی ها مردمی گشاده دست اند، هم چشمی و تفاخری که میان ایشان در مورد طعام و مهمان نوازی وجود دارد منشا حکایات غریبی است. "

هاکس که در خاطرات سفرش به ایران انتقاد های جدی نسبت به رفتار ایرانیان دارد، نتوانسته از مهمان دوستی ایرانی ها تعریفی نکند. او اینگونه نوشته است :

- " ایرانیان بسیار مهمان نواز و مؤدبند، وقتی از کنار يك خانواده ایرانی که مشغول صرف نهار بودند می گذشتم، بامهمان نوازی خاص ایرانیان از من خواستند با آن ها هم غذا شوم، ای کاش مردم دنیای غرب نیز می توانستند از چنین برخوردی استقبال کنند. "

(۴) شجاعت و خوی پهلوانی

- آیین پهلوانی همراه با شجاعت و شهامت، مردانگی، جوانمردی، عیاری و ده ها ویژگی دیگر نزد ایرانیان جایگاه مهم و ارزشمند ای داشته است.

ابن بطوطه ایرانیان را دلیر می داند و می گوید:

- " شجاعت و نترسی از صفات بارز ایشان است "

ادوارد براون (۱۸۸۷ میلادی) شجاعت ایرانیان را می ستاید و در کتاب تاریخ ادبیات ایران می نویسد :

- " ایرانیان بالفطره شجاع و طالب شنیدن سرگذشت ابطال و قهرمانان هستند، اشخاصی که از کتاب حاجی بابا تالیف موریه، گمراه شده و ایرانیان را کم جرأت و جبون پنداشته اند، از حقیقت بس دورند "

۵) طبع شعر ، ظرافت و نکته سنجی

شعر بخشی جدانشدنی از زندگی و روح مردم ایران است و این موضوع حتی از چشم پژوهشگران و جهانگردانی که از ایران بازدید کرده اند نیز پنهان نمانده است.

- ایران بدون شك زادگاه و خاستگاه نامدارترین شاعران جهان است شاعرانی همچون شاهنامه، سعدی، حافظ، مولوی، خیام و . . . که اشعارشان به ۱۰ ها زبان دنیا ترجمه شده است.

ارنست رنان فیلسوف فرانسوی در خصوص جایگاه شعر در ایران می گوید:

- " حقا که ایرانیان طبعی شاعرانه دارند. از سر در اتاق و پرده اتاق و آینه خلوتشان گرفته تا شانه ، ریش و تاس حمام و تخته بازی و سفره نان و فرش زیرپایشان و حتی قاشق آش و شربتشان، هریك آیت و نمونه ایست از ذوق و شوق این مردم يك لاقبا که با شکم گرسنه و جیب خالی تکیه بر اریکه استغنا زده، قدم از کنگره عرش پایین تر نمی گذارند و سلطنت را در پاکبازی و سبکباری دیده، پشمین کلاه خویش را به صد تاج خسروی نمی فروشند،

گاسپار دوویل (دوره قاجار) بر این باور است:

- " ایرانیان بسیار ناصحانه سخن می گویند، زیرا اشعارشان سرشار از پند و اندرز است و عبارتی از آن ها به صورت امثال و حکم رایج است. شاعران ایرانی در منظومه ها و غزل هایشان تشبیهاتی به کار برده اند که با وجود غیر مادی بودنشان نشانه ذوق و قریحه آن هاست. "

مریت هاکس (۱۳۱۱ شمسی) می نویسد :

- " شعر در زندگی ایرانیان نقش مهمی را ایفا می کند، يك ایرانی از من پرسید: « کدام يك از شاعران شما بیش از همه زندگی مردمتان را دگرگون کرده است؟ » او نمی توانست بفهمد که شعر در زندگی مردم ما نقش چندانی نداشته است. بسیاری از مردم ایران به افکار دینی، شعر و ادبیات کهن علاقه مندند و این امر در اروپا نادر است. نقل قول هایی از نویسندگان کلاسیک نظم و نثر هنوز در گفتار آن ها رایج است. گروهی از مغازه داران ممکن است هنگام صرف چای، وقت خود را بی جهت از دیدگاه عملی، صرف تمجید نظریه یا بحث درباره عقاید و سبک شاعری قدیمی کنند. در شیراز کفاشی بود که هر روز به دیدار دوستانش در چایخانه ای در کنار دروازه قرآن می رفت. آن ها اشعاری را از روی کتاب یا حفظ می خواندند. يك ایرانی پر استعداد و بسیار سفر کرده می گفت: « وقتی ما ایرانیان از نقل گفتار فردوسی دست برداریم، زندگی ایران به آخر خواهد رسید. » "

۶) دل‌بستگی به پیشینه و میهن و نیاکان

- یکی از مهمترین و بارزترین صفات ایرانیان علاقه و صمیمیت آن‌ها به کشورشان می‌باشد. از اینکه وطنشان نقش بزرگ و با اهمیتی در تاریخ داشته است، احساس غرور می‌کنند.

هنری رنه المانی (۱۸۵۹-۱۸۶۱ میلادی) در باره سرنوشت تاریخی ایرانیان می‌گوید:

- " ایرانیان در ذات خود به سنت‌ها و آداب دیرینشان دل‌بستگی تام دارند و در تمامی دگرگونی‌هایی که بر اثر تهاجم و یورش بیگانگان در این سرزمین روی داده است، ایرانی همیشه کوشیده است که به سنت‌ها و عادت‌ها و رسم فاتحان اعتنایی نکند، بلکه آن‌ها را هم به آداب و رسوم خود آشنا و بعد در جامعه خود حل کرده است."

فوریه (feuvrier) پزشك مخصوص ناصرالدین شاه، در خاطراتش آورده که :

- " ایران کشوری است که با وجود ظهور افکار جدید در دنیای امروز، عادات و افکار مردم آن چنان ثابت و لایتغیر مانده که می‌توان اندیشه آنان را عین همان روش‌ها و اندیشه‌های اجدادشان دانست. با این وضع چنان بر می‌آید که حتی فرزندان ایشان نیز از آن‌ها دست برندارد."

- **گرنٹ واتسن** جهانگرد انگلیسی (۱۸۶۵ میلادی) درباره میهن دوستی ایرانیان اینگونه نوشته است:

- "کشور ایران با همه طبیعت های گوناگون مورد تحسین هر ایرانی است. ایرانیان این گونه می پندارند که هیچ کشوری در جهان جایگاه مقایسه با ایران را ندارد. به نظر من اکثر ایرانیان محکوم به تبعید از ایران نمی توانند از بازگشت به میهن خود خودداری کنند."

• (۷) دانش دوستی

- ایرانیان از گذشته های بسیار دور دانش دوست بوده اند. در آموزش های زرتشت، خرد و دانش ستایش شده است.
- در **یسنا**، هات ۳۱ بند ۱۸ آمده است : « دانا باید با دانش خود نادان را آگاه سازد، چرا که نباید نابخردی در نادانی بماند. »
- **کاهنان مصری** در کتیبه ای ارزشمند که در موزه واتیکان نگهداری می شود در خصوص دانش دوستی هخامنشیات اینگونه نوشته اند:
- " بنا بر فرمان شاهنشاه ایران و ملت های گوناگون، «داریوش شاه»، چنین شد که خانواده های اهل دانش برای فراگیری دانش پزشکی، به دانشگاه سائیس مصر گسیل کرد و به همین منظور، به خواست درایوش شاه افزار های لازم و لوازم پزشکی گردآوری شد. او چنین مقرر فرمود، زیرا وی به ارزش واقعی فن پزشکی پی برده بود زیرا آگاه است که این فن مردمان بسیاری را از مرگ رهایی می بخشد. "

- **ابن خلدون** در مورد جایگاه دانش در ایران پیش از اسلام نوشته است :

- " جایگاه علوم عقلی در نزد پارسیان بسیار والا و حیطة های آن ها بسیار گسترده بوده است، چرا که دارای حکومت های پایدار و باشکوه بودند. گویند پس از کشته شدن داریوش به دست اسکندر و چیره شدن اسکندر به سرزمین کیلیکیه و دست یافتن به کتاب ها و علوم بی شمار پارسیان، این دانش ها از پارسیان به یونانیان رسید. "

- **راولینسون** دیپلمات و شرق شناس بریتانیایی در کتاب "سلطنت های پنج گانه بزرگ مشرق زمین" اعتقادی ندارد که ایرانیان باستان کمکی به ترقی علم و دانش کرده باشند!! وی بر این باور است که این قوم، هیچ گاه با تحقیقاتی که نیاز به صبر و حوصله باشد میانه ای ندارند!!!

نمادهای فرهنگی برجسته ایرانیان

- دفاع مقدس؛
- همیاری مردمی در سیل، زلزله و...؛
- مدیریت جهادی؛
- مقابله با کرونا؛
- کمکهای مؤمنانه؛
- اعتراض به تغییر نام خلیج فارس؛
- مدافعان حرم؛
- ظلم ستیزی؛
- حمایت از مظلومین جهان (فلسطین، لبنان) -، بوسنی و هرزگوین، یمن، روز جهانی قدس؛

ضرورتها

- رفتارهای مطلوب در مقیاس بزرگ اجتماعی مستلزم اصلاحات نهادی ایجاد محیط نهادی مطلوب است این محیط نهادی نهادی است که اقتضا می کند افراد بیشتری از یک جامعه دروغ بگویند تملق ورزند دورویی در پیش بگیرند یا فساد پذیر باشند.
- **البته این لزوماً به معنای بی توجهی به نقش کنشگران نیست**
- ما برای داشتن سلامت اجتماعی باید هنجارها و رفتارهای درست و الگوهای رفتاری مناسب داشته باشیم و بتوانیم آن را در جامعه تعمیم دهیم. متأسفانه نقطه ای که ما اکنون در آن قرار گرفتیم به خاطر بحران های اجتماعی متعدد مثل بیکاری، اعتیاد و عدم ازدواج منجر به یکسری پدیده می شود.
- قدرت و مهارت های ارتباطی
- مدیریت رسانه ها
- نهادینه سازی خود باوری

مدل پیشنهادی

- مدلی براساس:
- آسیب شناسی فرهنگی؛
- سیاستگذاری فرهنگی؛
- تفکر سیستمی؛
- مبتنی بر تحلیل نهادی با چهار سطح تحلیل:
- ۱. نهادها و ساختارها؛
- ۲. عاملیت انسانی؛
- ۳. محیط منطقه‌ای و جهانی؛
- ۴. وقایع و رویدادها؛

نتیجه‌گیری:

رفتارهای مطلوب در مقیاس بزرگ اجتماعی، مستلزم:
اجرای مدل یاد شده و در صدر آن اصلاحات نهادی و ایجاد محیط نهادی مطلوب است.
این محیط نهادی است که اقتضا می‌کند افراد بیشتری از يك جامعه، دروغ بگویند، تملق
بورزند، دورویی در پیش بگیرند، فسادپذیر باشند و...

باتشکر و سپاس از توجه و بردباری شما عزیزان

والسلام عليكم ورحمت الله وبركاته